

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۲

(ص ۳۲-۷)

دکتر عصمت اسماعیلی*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سمنان

حسن یعقوبی**

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سمنان

معرفی آندرام مخلص لاهوری و نسخه ی «هنگامه ی عشق»

چکیده

آندرام (Anand Ram)، متخلص به «مخلص»، شاعر و نویسنده ی پارسی گوی قرن دوازدهم هجری، در سودهره (Sodhra) در بخش سیالکوت (Sialkot) از توابع لاهور (Lahore) به دنیا آمد. مخلص در شاعری از استاد خود میرزا عبدالقادر بیدل پیروی می کرد و از بهترین شاگردان او بود؛ ولی سخنش از پیچیدگی ها و نازک خیالی های معمّواری که در شعر بیدل دیده می شود، خالی است. علاوه بر قریحه ی سرشار آندرام در شاعری، ذوق نکته یابی و نقّادی وی نیز شایسته ی توجه است و سبک نگارش او در نثر هم به متانت و روانی مشهور بوده است؛ به گونه ای که مخلص را یکی از بهترین نویسندگان آن روزگار خوانده اند. هنگامه ی عشق، داستان متثور عاشقانه ای است که آندرام مخلص در سال ۱۱۵۲ق. با ترجمه ی آزاد پدماوت (Padmavat)، یکی از افسانه های باستانی هند، سروده ی ملک محمد جاییسی، با نثری شاعرانه و زیبا به رشته ی تحریر درآورد. در این نوشتار، به معرفی نسخه ی هنگامه ی عشق و مؤلف آن پرداخته شده است.

کلید واژه ها: آندرام مخلص، هنگامه ی عشق، داستان عاشقانه، نسخه ی خطی.

*Email: esmat.esmaeili@profs.semnan.ac.ir

**Email: yaghobi@sun.semnan.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۲۲

مقدمه

نسخه‌های خطی، از مهم‌ترین و بازرترین دلایل و مدارک برای جلوه دادن هویت واقعی ملل و فرهنگ و تمدن اقوام مختلف است؛ چرا که در هر دوره، معمولاً بزرگان و دانشمندان قوم، دستی در کتابت داشتند و به دلیل مشکلات در کتابت و کمبود ابزار آن، سعی بر این بوده تا بهترین تجربه‌ها و اندوخته‌ها تحریر گردد. نسخه‌های خطی در هر زبان، سند هویت آن زبان و ابزار انتقال دانش و فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. با توجه به این که این آثار در طی زمان با خطر دگرگونی و فراموشی روبرو هستند، ضروری است که از طریق تصحیح، غبار فراموشی و نابودی از چهره ی آن‌ها زدوده شود و به صورت مطلوب و مقبول به آیندگان عرضه گردد.

انجام هرگونه نقد در متون ادبی، وابسته به وجود متنی درست و معتبر است؛ زیرا منتقد باید اطمینان حاصل کند که به بررسی همان اثری می‌پردازد که اصالتاً از زیر دست صاحب اثر بیرون آمده است» (امامی، ۱۳۳۷: ۱۰۳) به قول دیوید دیچز (David Daiches) «تصحیح، مقدمه‌ای برای هرگونه ارزیابی انتقادی است» (دیچز، ۱۳۶۶: ۵۰۲)

تاریخ ادبی، علمی، اجتماعی یا سیاسی هر ملتی، تنها زمانی می‌تواند به شیوه‌ای کاملاً عینی به نگارش درآید که بر مآخذ اصلی تکیه داشته باشد و بی‌تردید یکی از سرچشمه‌های این مآخذ اصلی، نسخه‌های خطی است که آینه ی فرهنگ و ادبیات ملت‌ها محسوب می‌شوند. «هدف و غایت نقد و تصحیح متون ادبی آن است که از روی نسخ خطی موجود، نسخه ی اصلی یا قریب به اصل یک اثر را احیا و مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی عرضه دارند که خواننده ی اهل تحقیق بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگر اصل یک اثر را در دست ندارد، نسخه‌ای از آن را دارد که به صورت اصلی و شکلی که مصنف و مؤلف اصل نوشته است، به نهایت درجه نزدیک است.» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۲۷)

پیشینه ی تحقیق

نسخه‌ی هنگامه‌ی عشق تا کنون تصحیح و چاپ نشده، اما درباره ی آنند رام و آثار او در تذکره‌های مختلف از جمله: خزانه ی عامره تألیف آزاد بلگرامی، سفینه ی هندی تألیف

بهگوان داس، سفینه ی خوشگو تألیف بندرابن داس، مجمع النفائس تألیف سراج الدین علی خان آرزو، صحف ابراهیم تألیف خلیل بنارسی، ریاض الشعرا تألیف واله داغستانی، نتایج الافکار تألیف گوپاموی، شمع انجمن تألیف نواب صدیق خان و خازن الشعرا تألیف محمد میرنجان مطالبی آمده است.

همچنین در دانشنامه ی ادب فارسی در شبه قاره، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ادبیات فارسی در میان هندوان تألیف سید عبدالله و نیز در مقالات داستان پدماوت در ادبیات فارسی از امیرحسن عابدی، تعامل ادبیات فارسی با فرهنگ هندوان از خان محمد عامر و پری خانه از عارف نوشاهی به اختصار به معرفی مخلص و آثار او از جمله هنگامه ی عشق، پرداخته شده است. در حال حاضر تصحیح انتقادی نسخه‌های «هنگامه ی عشق» و «کارنامه ی عشق»، دو اثر داستانی آند رام مخلص به عنوان رساله دکتری این جانب، در حال انجام است که در ادامه به معرفی نسخه ی هنگامه ی عشق و مؤلف آن پرداخته خواهد شد.

نثر فارسی و ادبیات داستانی در شبه قاره

زبان و ادبیات فارسی، به دلیل غنای فرهنگی، ادبی، هنری و علمی خود، پس از نفوذ در شبه قاره هند، از زمان محمود غزنوی، بسیار مورد توجه و ستایش عارفان، شاعران، نویسندگان، مورخان و دانشمندان هندی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که آنان نیز در پرورش این زبان، نقش به سزایی داشتند و با خلق آثار و شاهکارهای ادبی و علمی، عشق و علاقه ی خود را نسبت به آن ابراز کردند.

«این منطقه ی جغرافیایی با زیرساخت فرهنگ هندی و سانسکریت، به نوبه ی خود مسبب دگرگونی‌هایی بود که در ادب فارسی روی داد؛ یکی از جنبه‌های این دگرگونی، گرایش نثر فارسی به سادگی بود که آن را کم‌کم از زیر بار نثر مقفای عربی و نامفهوم منشیانه خلاص کرد و به گفتگوی طبیعی نزدیکش ساخت.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۵۳)

البته نثر فارسی رایج در هند نثری بود که رو به تصنع و تکلف داشت و در آن قصد اظهار فضل و اطلاع به چشم می‌خورد. در این نثر به تکلفات و زواید بیشتر توجه می‌شد تا

به اصل معنی و موضوع. در آثار منشور فارسی هندوان در قرن‌های دهم تا دوازدهم هجری، ضعف تألیف ناشی از عدم رعایت قوانین لغوی و دستوری، مانند به کار بردن فعل‌های وصفی، حذف فعل بدون قرینه لفظی یا معنوی، دیریابی معنی، پیچیده‌گویی و... دیده می‌شود. هرچند در بعضی از کتب تاریخی و داستانی که در نگارش آن‌ها حدّ وسط رعایت شده، سبک انشا، عادی و طبیعی است.

«زبان فارسی در سال ۹۹۰ هجری به فرمان اکبرشاه، در هند زبان رسمی حکومت شد و از این دوره توجه به زبان فارسی رونق یافت. نثر این دوره دنباله ی سبک و سیاق قرن نهم و دهم هجری است و تغییر حکومت، اثری در شیوه ی نثر نداشت؛ اما محتوای نثر یعنی مطلب و اندیشه‌های آن در حال تغییر و تحول بود.» (رستگارفسائی، ۱۳۸۰: ۵۱۰)

«بعد از مرگ اورنگ زیب، دوره ی دوم تیموریان که دوره ی فروپاشی و انحطاط این سلسله است، شروع شد. پادشاهان این دوره، توجه کمتری به امور فرهنگی و ادبی نشان دادند و همین امر باعث شد که زبان فارسی کم‌کم جایگاه خود را در بین هندوان از دست بدهد. با این وجود، هندوان شایسته‌ای نیز در این دوران به چشم می‌خورند که آثار چشمگیری از خود بر جای گذاشتند. در زمان بهادر شاه ظفر دوم، آخرین پادشاه خاندان مغول، زبان فارسی، دوباره آن‌هم تا حدودی اهمیت و رونق یافت.» (عامر، ۱۳۸۳: ۶۷)

از عهد جهانگیر تا زوال مغولان (قرن ۱۱-۱۳ هجری) که اوج شکوفایی زبان فارسی در هند بود، هندوان آثار پرارزش و سودمندی به زبان فارسی، به‌ویژه در زمینه ی شعر، داستان، تاریخ و انشا به وجود آوردند. از قرن یازدهم گروهی از شاعران و نویسندگان پارسی زبان به ترجمه ی آثار هندی به فارسی علاقه‌مند شدند و بسیاری از کتاب‌های داستان هندوان به فارسی ترجمه شد.

جریان داستان‌پردازی به موازات ایران، در شبه قاره نیز رونق ویژه‌ای یافت. این سنت بعد از روابط گسترده ی فرهنگی ایران و هند در عهد تیموریان و گورکانان هند در شبه قاره نیز با توجه به زمینه‌ها و مایه‌های فرهنگی آن سرزمین به حدّ اعجاب‌آوری گسترش یافت. مهاجرت‌های وسیع و گروهی شاعران ایران به هند، از یک سو و ترجمه ی کتاب‌های مختلف به وسیله ی نویسندگان از سوی دیگر و همچنین رسمیت یافتن زبان فارسی در شبه

قاره در طول چندین قرن، باعث امتزاج ادبیات داستانی و به‌ویژه ادبیات شفاهی هند و ایران شده است. ترجمه‌های متعدّد و مختلفی که از داستان‌های هندی به فارسی شده، تأثیر فراوانی در گسترش این داستان‌ها در میان ایرانیان داشته است.

«شبه قاره ی هند همواره خاستگاه بسیاری از افسانه‌های رایج و قصّه‌ها بوده و داستان نقش مهمی در آموزش و پرورش مردم هند داشته است. از طرفی این شبه قاره، خاستگاه ادیان بزرگی چون بودایی، هندویی و فرقه ی جین است که اغلب کتب دینی آنان را داستان و حکایت تشکیل می‌دهد. یکی از موضوعات داستانی رایج در این شبه قاره، داستان‌های عاشقانه است که جز محتوای برخی داستان‌ها که تأثیر آیین‌های هندی را در آن می‌توان به خوبی مشاهده کرد، بیانگر تأثیر عمیق ادب فارسی و فرهنگ غنی آن در این داستان‌ها و منظومه‌ها است.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۵۰)

«اگرچه در آغاز، داستان‌های معروف ایرانی مانند شاهنامه و خمسه ی نظامی سرمشق صدها داستان‌نویس مقلّد در ایران و هندوستان گردید؛ ولی این سیر کم‌کم در هند موجب ظهور داستان‌های بومی و خالص هندی و نقل آن به شعر فارسی گردید. برای مثال می‌توان پنج داستان معروف هندی: کامروپ و کاملتا (Kamrup & Kamlata)، مدهومالت و منوهر (Madhumalti & Manohar)، پدماوت (Padmavat)، پنون و سیسی (Punnun & sassi) و هیر و رانجها (Hir & Ranjha) را ذکر کرد.» (رضازاده شفق، ۱۳۳۶: ۷)

ترجمه ی داستان‌های حماسی و عاشقانه ی هند به فارسی، تأثیر زیادی بر ادب فارسی داشته است. «تأثیرپذیری ادبیات فارسی از ادب هند، به ویژه در دوره ی تیموریان و عهد اکبرشاه، یعنی در فاصله ی نخستین سال‌های سده ی دهم و میانه ی قرن دوازدهم قمری به اوج خود رسید و در این راه، تشویق‌های پادشاهان و فرمانروایان هند و دکن مایه ی اصلی این پیشرفت بوده است. رواج داستان‌نویسی در این دوره به شکل نقل دوباره ی داستان‌های قدیم یا ترجمه ی داستان‌های هندی از زبان سانسکریت به فارسی و به نظم درآوردن آن‌ها به وسیله ی گویندگان و سرایندگان است که زبانشان فارسی است و در شبه قاره زندگی می‌کردند.» (صدیقی، ۱۳۷۷: ۵۲)

یکی از این داستان‌های باستانی هند، داستان پدماوت است که در اواسط قرن دوازدهم هجری به وسیله‌ی آنند رام مخلص از هندی به فارسی برگردانده و نام هنگامه ی عشق بر آن نهاده شد.

معرفی آنند رام مخلص لاهوری

آنند رام، شاعر و نویسنده ی پارسی‌گوی هند، متخلص به «مخلص» در سوذره (Sodhra) در بخش سیالکوت (Sialkot) از توابع لاهور (Lahore) به دنیا آمد. بیشتر تذکره-نویسان به سال تولد او اشاره‌ای نکرده‌اند. در دانشنامه ی جهان اسلام، تولد او حدود ۱۱۰۹ ق. ذکر شده است (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۳۲۳) در دایرةالمعارف ایرانیکا نیز سال تولد او ۱۱۱۱ ق. آمده است. با این اوصاف و نیز با توجه به این که او در هنگام نگارش کتاب پری‌خانه (۱۱۴۴ ق.) ۳۷ ساله و نیز در هنگام تألیف کتاب دیگرش، مرآه‌الاصطلاح (۱۱۵۷ ق.) ۴۵ ساله بوده؛ بنابراین باید تولد او را بین سال‌های ۱۱۰۷ تا ۱۱۱۲ ق. دانست.

پدر مخلص، راجه هرده رام (Hirday Ram) چهتری لاهوری، از طبقه ی چهتریان (چهتری، کهتری یا کشتری، طبقه ی امیران و سپاهیان در هند) بود که از طبقات صاحب نفوذ هند محسوب می‌شدند. آنند رام نیز از موقعیت ممتاز اجتماعی بهره‌مند بود و در ۱۱۳۲ ق. (۱۷۱۹ م.) وکیل سیف‌الدوله عبدالصمدخان ناظم صوبه ی لاهور و ملتان (Multan) و نیز وکیل نواب اعتمادالدوله قمرالدین خان بهادر آصف‌جاه نظام‌الملک گردید و در همان سال از جانب محمد شاه، لقب «رای رایان» دریافت کرد.

سراج‌الدین علی خان اکبرآبادی ملقب به استعدادخان و معروف به «خان آرزو» (۱۱۶۹-۱۰۹۹ ق.) شاعر، عارف و دانشمند هندی که در سال ۱۱۳۲ ق. (۱۷۲۰ م.) در دهلی (Delhi) اقامت گزید، به خدمت آنند رام درآمد و از او منصب «جاگیر» (تیول) یافت. آرزو ضمن اشاره به دوستی ۳۰ ساله ی خود با وی، حضور او را در شاهجهان‌آباد (Shahjahanabad)، سبب اقامت خود در آن شهر می‌دانست. (بهگوان داس، ۱۹۵۸: ۱۹۷) عبارت «خان» که در ابتدای تخلص آرزو آمده، طبق گفته برخی تذکره نویسان به خاطر یکی از نزدیک‌ترین دوستانش یعنی «آنند رام مخلص» به او داده شده است. (سیدعبدالله، ۱۳۷۱: ۱۱۷)

بیشتر تذکرها اشاره دارند که پس از حمله ی نادر به دهلی (۱۱۵۰-۱۱۵۱ق. ۱۷۳۷-۱۷۳۸م.) آند رام، انزوا گزید و خانه نشین شد و در سال ۱۱۶۴ق. (۱۷۵۱م.) در چهارمین سال حکومت احمدشاه در پی بیماری نفث الدم (استفراغ خون) درگذشت (بهگوان داس ۱۹۵۸: ۱۹۶). همچنین گوپاموی (Gupamoy) در تذکره ی نتایج الافکار، سال مرگ مخلص را ۱۱۴۰ق. عنوان کرده و آفتاب رای لکهنوی (Aftab Ray Lakhnawi) در ریاض العارفین، به کشته شدن او در لشکرکشی ایران به هند، اشاره داشته که این اقوال، با توجه به شواهد بسیار، از جمله تألیف برخی از آثار او همچون هنگامه ی عشق و کارنامه ی عشق، پس از این سالها، کاملاً مردود است.

مخلص در شاعری از استاد خود میرزا عبدالقادر بیدل پیروی می کرد و از بهترین شاگردان او بود؛ ولی سخنش از پیچیدگی ها و نازک خیالی های معنواوری که در شعر بیدل دیده می شود، خالی است. به گفته ی بهگوان داس (Bhagvan Das) «طور کلامش ماورای طور استاد است.» (بهگوان داس، ۱۹۵۸: ۱۹۷) در تذکره ی شمع انجمن، مخلص، شاگرد بیدل و مربی آرزو اکبرآبادی معرفی شده است. (نواب صدیق خان، ۱۳۸۶: ۶۵۳)

کلیات اشعار او را بالغ بر ۵۰ هزار بیت گفته اند که گزیده هایی از آن ها به طور پراکنده در تذکرها آمده است. علاوه بر قریحه ی سرشار آند رام در شاعری، ذوق نکته یابی و نقّادی وی نیز شایسته ی توجه است و سبک نگارش او در نثر هم به متانت و روانی مشهور بوده است. در تذکره ی ریاض الشعرا، از مخلص چنین تمجید شده است: «از جماعت هنود در این جزو زمان، کسی به خوش محاورگی او نیست.» (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۲۰۹)

«مخلص از بهترین نویسندگان روزگارش بود. محمدشاه وی را مأمور نوشتن نامه ای به پادشاه صفوی در تهنیت جلوس او به نثری مصنوع و سنگین، به پیروی از سبک ابوالفضل علامی کرد؛ اما سبک نثرنویسی خود مخلص ساده و بی تکلف است. او در نثرش واژگان هندی به کار می برد و نام های هندی و فارسی را به هم اضافه و ترکیب می کند؛ ولی نوآموزان را از این کار برحذر می دارد.» (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۳۲۴)

آند رام را برای تمایز از شعرای دیگری که با تخلص «مخلص» شعر می گفتند، مخلص هندی یا مخلص لاهوری خوانده اند.

آثار آند رام مخلص

- ۱- هنگامه ی عشق (۱۱۵۲ق./۱۷۳۹م.): داستان عاشقانه‌ای است به نثر درباره ی کنور سندر سین (Kunver Sundar Sen) و رانی چند پر بها (Rani Chand Parbha)
- ۲- کارنامه ی عشق (۱۱۴۴ق./۱۷۳۱م.): داستان عاشقانه‌ای است به نثر، درباره ی شاهزاده ی چینی «گوهر» و شاهزاده خانم «مملکت».
- ۳- پری‌خانه (۱۱۴۴ق./۱۷۳۱م.): مقدمه‌ای است بر مجموعه‌ای از آثار خطاطان و نقاشان.
- ۴- رقعات مخلص (۱۱۴۹ق./۱۷۳۶م.): مجموعه ی نامه‌های اوست.
- ۵- مجموعه ی یادداشت‌های پراکنده، شامل نامه‌های آند رام به خط خود او، اسناد و اشعار گردآورده ی او، نامه‌های پدرش، نامه‌ای از علی حزین لاهیجی خطاب به او، عریضه ی او به نواب صاحب وزیر ممالک، نامه‌های او به عبدالمجید خان و ... که اغلب این نوشته‌ها به تاریخ ۱۱۵۵ق. باز می‌گردد.
- ۶- مرآت‌الاصطلاح (۱۱۵۷ق./۱۷۴۴م.): فرهنگ‌نامه‌ای است از تعبیرات و اصطلاحات شاعرانه و ضرب‌المثل‌ها، با شواهدی از شعر پارسی. این کتاب شامل نکته‌هایی درباره ی اوضاع دربار دهلی و شخصیت‌های معروف آن زمان نیز هست. آند رام، این کتاب را از آن جهت نوشت که متوجه شده بود در زمان وی (اواخر عهد گورکانیان)، معیار صحیح و مستندی برای تلفظ درست واژگان فارسی وجود ندارد و همچنین اکثر مردم، فقط به فارسی نوشتاری آشنایی دارند و متوجه محاورات روزانه ی رایج در میان ایرانیان نمی‌شوند. این کتاب در سال ۱۹۹۳م. به کوشش تسنیم احمد چاپ شده است.
- ۷- چمنستان (۱۱۵۹ق./۱۷۴۶م.): مجموعه‌ای است از لطیفه‌ها، کنایات و نکات ظریف، اشاراتی بر احوال بعضی از معاصران و توصیفاتی از درختان، گل‌ها و میوه‌ها، به نثر مرصع که در چهار «چمن» و هر چمن در دو «گلدسته» ترتیب یافته است. چهار چمن عبارتند از: ۱- نقل‌های شیرین و شورانگیز و نقل‌های هزل‌آمیز ۲- بعضی احوال مسموعی و وقوعی، حقیقت بعضی از درختان و انواعی از فواکه ۳- فوایدی چند شامل نکات حکمت

و اندرزاها ۴- لطایف بعضی مردم، لطایفی که بعضی اوقات بر زبان مؤلف گذشته بود. این کتاب در سال ۱۲۹۴ق. در لکهنو (Lakhno) به چاپ رسیده است.

۸- بدایع وقایع: خاطرات شخصی نویسنده و ذکر وقایع زمان او در شمال هند است. این کتاب در سال‌های مختلف نوشته شده و مشتمل بر چهار بخش است: بخش اول: شرح حمله ی نادر به هند و جنگ او با محمد شاه که به نام تذکره ی آنند رام نیز شهرت دارد و قسمت‌هایی از آن در جلد هشتم تاریخ هند (History of India) تألیف الیوت (Elliot) و داوسون (Dawson) به انگلیسی ترجمه شده است. از این بخش کتاب به اشتباه در برخی تذکره‌ها با عنوان تذکره مخلص یاد شده است. بخش دوم: احوال سیزده روزه ی سفر گره-موکتیسر (Garhmuktesar) که در ذی‌القعدة ی ۱۱۵۶ق. نوشته شده است. بخش سوم: احوال سفر بنگره (Bingarh) که در محرم و جمادی‌الاول ۱۱۵۸ق. انجام یافته است. این بخش نیز به کوشش سیدعلی اظهر در رامپور (Rampur) به سال ۱۳۶۵ق. با عنوان سفرنامه ی مخلص به چاپ رسیده است. بخش چهارم: نسخه ی سوانح احوال که درباره ی وقایع پنجاب (Punjab) از جمادی‌الثانی ۱۱۵۸ تا جمادی‌الثانی ۱۱۶۱ق. است. این بخش به کوشش مولوی محمد شفیع چاپ شده و در جلد پنجم مقالات مولوی محمد شفیع آمده است. همچنین این بخش به کوشش محمد شریف در مجله ی دانشکده ی شرق‌شناسی دانشگاه پنجاب در سال ۱۳۶۰ق. به چاپ رسیده است. بدین ترتیب بدایع وقایع در فاصله ی سال‌های ۱۱۴۵ تا ۱۱۶۱ق. تألیف شده است. نسخه ی کاملی از آن در دانشگاه پنجاب لاهور و بخش‌های جداگانه ی آن در علیگره (Aligarh) و رامپور موجود است.

۹- دیوان اشعار: آنند رام صاحب دیوانی به فارسی و اشعاری به هندی بوده است. از دیوان مخلص نسخه‌هایی در برخی کتابخانه‌ها نگهداری می‌شود از جمله کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور که نسخه ای از رباعیات او را به خط خود مخلص با تاریخ بیست و هفتم صفر ۱۱۵۶ق. حفظ کرده است، و کتابخانه ی انجمن ترقی اردوی کراچی (karachi) و کتابخانه ی دیوان هند که مجموعه ای از غزلیات و رباعیات او را نگهداری می‌کند.

۱۰- انتخاب تحفه ی سامی: که گزیده‌ای از تذکره ی سام میرزاست.

۱۱- نامه ای بلند به نثر: این نامه هنگام تاج گذاری شاه صفوی، به فرمان محمدشاه خطاب به وی نوشته شده است.

۱۲- کتاب راحه الافراس: درباره ی نگهداری اسب که گویا برگردانی از متنی سانسکریت بوده است.

۱۳- تذکره الشعرا: از تذکره الشعراي مخلص در هیچ یک از منابع معروف چون تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تألیف سید علی رضا نقوی و تاریخ تذکره های فارسی، تألیف احمد گلچین معانی نامی نیست و در برخی منابع از اثر دیگر او بدایع وقایع، با عنوان تذکره یاد شده است. «نسخه ای از این تذکره در گنجینه ی حکیم چترسینگ (Chattersing) کتابخانه ی عمومی مهاراجه جی پور (Jaipur) بوده که بعداً به مؤسسه ی تحقیقات عربی و فارسی در تونک (Tonk) هند، شماره ی ۳۲۹۷-Jaipur منتقل و برای اولین بار در فهرست آن کتابخانه معرفی شد. صولت خان از روی همین نسخه، پایان نامه دکتری خود را در سال ۱۹۹۳م. به راهنمایی قمر غفار با عنوان «تصحیح انتقادی تذکره- الشعراي آند رام مخلص با مقدمه و حواشی» در جامعه ی ملیه ی اسلامیة ی دهلی نو گذراند.» (نوشاهی، ۱۳۸۵: ۲۶۵-۲۶۶)

۱۴- مثنویات مخلص: مجموعه مثنویات مخلص به زبان اردو.

هنگامه ی عشق

هنگامه ی عشق، داستان منثور عاشقانه ای است که آند رام مخلص در سال ۱۱۵۲ق. با ترجمه ی آزاد داستان پدماوت، سروده ی ملک محمد جایسی به رشته ی تحریر درآورد. «پدماوت یکی از افسانه های باستانی هند است که پس از حمله ی علاءالدین خلجی به قلعه ی چتور (Chittor) زبانزد خاص و عام گردید. این داستان در اصل به دو قسمت تقسیم می شود: قسمت اول آن افسانه عشق و عروسی رتن سین (Ratan Sen) و پدماوتی (Padmavati) و بازگشت آنان به چتور است. قسمت دوم که تا حدودی جنبه ی تاریخی دارد، مربوط به محاصره ی قلعه ی چتور به وسیله ی علاءالدین خلجی (۶۹۵-۷۱۵ق.) و مرگ رتن سین و خودکشی (ستی) پدماوت است.» (عابدی، ۱۳۴۱: ۷۵)

ملک محمد جاییسی (۹۰۶-۹۹۹ق.) نخستین سراینده ی این داستان است که در زمان سلطنت شیرشاه سوری (۹۴۵-۹۵۲ق.) در سال ۹۴۷ هجری آن را به زبان هندی به نظم درآورد. داستان پدماوت که جاییسی آن را به نظم درآورده، از عالی‌ترین شاهکارهای ادبیات هندی به‌شمار می‌رود.

داستان پدماوت به وسیله ی نویسندگان و شاعران مختلفی روایت شده است. اولین شاعری که این داستان را به فارسی ترجمه کرد، ملاعبدالشکور بزمی است. او آن را در سال ۱۰۲۸ ق. به نظم درآورد و نام «رت پدم» بر آن نهاد. شاعر دیگری که این داستان را از داستان پدماوتی جاییسی به نظم درآورده، عاقل خان رازی، شاعر قرن یازدهم هجری است که این اثر «شمع و پروانه» نام دارد. همچنین شاعری به نام ذاکر، داستان پدماوت را در سال ۱۲۲۲ ق. به نظم درآورد. راوی گویند منشی نیز داستان پدماوت را به نثر فارسی به رشته ی تحریر درآورده و آن را «تحفه القلوب» نامیده است. آند رام مخلص نیز در سال ۱۱۵۲ ق. این داستان را به نثر فارسی ترجمه کرد و نام «هنگامه ی عشق» بر آن نهاد. مخلص فقط قسمت اول داستان را، آن هم به گونه‌ای دیگر بیان کرده است. داستان عشق رتن سین و پدماوتی را شاعری به نام امام در سال ۱۲۲۳ق. در مثنوی بوستان سخن که نسخه خطی آن به شماره ۳۰۸۵ در موزه ی ملی هند در دهلی نو نگهداری می‌شود، آورده است. به جز این موارد، ترجمه‌های دیگری از این داستان نیز به فارسی موجود است؛ از جمله: مثنوی پدماوت (حسن غازانه)، مثنوی حسن و عشق (حسام الدین)، مثنوی فرح بخش (لچمی رام ابراهیم آبادی)، خلاصه نثر پدماوت (نواب ضیاءالدین احمدخان)، قصص پدماوت (حسین غزنوی)، خلاصه پدماوت جاییسی (سیدمحمد عشرتی) (عابدی، ۱۳۴۱: ۷۵-۸۹) بر اساس روایت آند رام، قهرمانان داستان، «کنور سندر سین» پسر فرمانروای کرناتک (Karnatak) و «رانی چند پربها» از سیلان (Silane) می‌باشند. «کنور» به سرزمین محبوب خود رفته، در معبدی منتظر دیدار وی می‌شود؛ اما خواب بر وی غالب می‌آید و «رانی» به وسیله ی شخص بدکاری از معبد دزدیده می‌شود. رانی با توسل به حيله‌ای، خود را از دست دزد می‌رهاند و به جستجوی کنور به راه می‌افتد....

مخلص در ابتدای کتاب پس از مناجات، دلیل نگارش هنگامه ی عشق را چنین بیان می‌کند:

«اما بعد بر خداوندان محبت و شوق و صاحبان وجد و ذوق پوشیده مباد که در سته ی یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری... به دکنی خدمتکار که خالی از مزاج دانی نیست، گفتم افسانه‌ای باید گفت شاید به این بهانه دیده، طرح خواب اندازد... او این حکایت رنگین را که ملک محمد جایی مصنف پدماوت در هندی به زبان پورب، سرتاسر چون پرده ی پوربی، لبریز درد نگاشته و بنای سخن بر معانی غریب و تشبیهات بدیع گذاشته است، نقل کرد. از آنجا که متضمن نیرنگ‌های محبت است، بی‌اختیار دل را به درد آورد، با خود گفتم که اگر این معشوق هندی را در لباس قلمکار فارسی جلوه داده آید، ممکن که در نظر اهل ذوق این فن مستحسن نماید؛ لهذا قلم پریشان‌رقم، طرح تحریرش انداخت و ... به هنگامه ی عشق موسوم ساخت» (آند رام، بی تا: ۱-۲-۳).

او در پایان کتاب، تاریخ تألیف آن را با ماده تاریخ آورده است:

«... به هر تقدیر چون این فقره ی چند مشعر است بر احوال آن ماه سپهر وفا، یعنی رانی چندر پر بها، لهذا فکر معنی در کمند که کلمه نغمه ی چند، تاریخ اتمامش یافته بود، قلم پریشان‌خاطر قطعه ی آن بدین موجب تحریر نمود:

چو این نغمه ی چند نقاش شوق به این رنگ بر صفحه تصویر کرد
به تحریک دل سال اتمام آن قلم نغمه ی چند تحریر کرد»
(آند رام، بی تا: ۱: ۵۰)

ویژگی‌های نثر کتاب

نثر این کتاب، اگرچه شاعرانه است و آراسته به انواع صنعت‌ها و آرایش‌های لفظی و معنوی و به قول مخلص، نثری رنگین؛ اما در مقایسه با برخی از آثار او از جمله دیباچه ی پری‌خانه، ساده و بی‌تکلف است. او خود در پایان داستان تأکید می‌کند که در بند عبارت-پردازی و نگارش متکلفانه نبوده است:

«...در بند عبارت‌آرایی و معانی‌پیرایی نبوده، حرفی چند سرسری نگاشتم؛ ورنه صد سال می‌توان سخن از زلف یار گفت. با این همه اگر پای انصاف در میان باشد، عالمی دارد

و دلی به درد می‌آورد. اگر گرفت و گیری در میان نیست و منظور استیعاب لذت است، این قدر هم کفایت می‌کند؛ و اگر معامله بالعکس است چه حاصل اگر قلم بدایع رقم، به تکلف، بساط سخن آراید.» (آند رام، بی تا: ۱: ۴۹)

- بهره‌گیری از اشعار فارسی

استفاده آند رام از سروده‌های خود و دیگر شاعران، در جای‌جای داستان، از ویژگی‌های قابل توجه و ارزشمند این اثر است. در هنگامه عشق با مصرع‌ها و ابیاتی از شاعرانی چون: حافظ، جامی، خاقانی، صائب، حکیم شفائی، ناصرعلی، عرفی، داراب بیگ جويا و نیز با ابیات، غزل‌ها و مثنوی‌هایی از مؤلف روبرو می‌شویم. اشعار مخلص، غالباً در اوزان کوتاه، ساده و روان هستند.

نمونه‌هایی از اشعار آند رام در هنگامه ی عشق:

- لاله با داغ از زمین رویید کار سوداییان خدا ساز است

(آند رام، بی تا: ۱: ۱۷)

- ساکنان شهر خوش آب و هوای الفتیم عشق می‌بارد چو کنعان از در و دیوار ما

(آند رام، بی تا: ۱: ۳۳)

- سیاحت پیشه‌ام از بیستون عشق می‌آیم حکایت‌های شیرینی ز حال کوهکن دارم

(آند رام، بی تا: ۱: ۳۴)

- الا ای خوش‌نشینان قفس می‌آیم از گلشن به جای نامه گلبرگی به بال خویشتن دارم

(آند رام، بی تا: ۱: ۴۴)

دائم ز می تهی‌ست چو خورشید جام ما گاهی نبود گردش گردون به کام ما

بی‌وجه نیست این همه مقبول اهل درد چون نی بود ز ذوق لبالب کلام ما

هر جانبش فتاده ز بس خونچکان پریست خالی ز سیر همچو چمن نیست دام ما

معلوم نیست چشم که سامان عشوه کرد لبریز شد ز نکهت نرگس مشام ما

مسموع شد که یار گرفتار چون خودی‌ست آخر ازو زمانه کشید انتقام ما

مستغنی‌ام ز دولت شور جنون که هست زلف و رخ تو سلطنت روم و شام ما

آن روز کز مزاج شود شور عشق کم گم باد از جریده ی ایام نام ما
 لبریز از ترانه ی شور محبت است دیوان شعر مخلص شیرین کلام ما
 (آنند رام، بی تا: ۱: ۲۹)

- استفاده از اصطلاحات نسخه‌پردازی و نقاشی

بر اساس آنچه که مخلص در دیباچه ی اثر دیگرش، پری‌خانه بیان داشته، از دل - مشغولی‌های دوره ی نوجوانی او، جمع‌آوری آثار خوشنویسی استادانی چون میرعلی و میرعماد و اوراق نقاشی استادان ممتاز بوده است. (نوشاهی، ۱۳۸۵: ۲۶۶)؛ از این رو مخلص با اصطلاحات خط، کتابت و نقاشی کاملاً آشنا بوده، بهره‌گیری او از این اصطلاحات در خلق تشبیهات و استعارات گوناگون در شعر و نثر، تعلق خاطر و اشراف او را بر آداب هنر خط و نقاشی نشان می‌دهد. در هنگامه ی عشق نیز آنچه که بسیار جلب توجه می‌کند، استفاده فراوان از اصطلاحات خط و نقاشی و کتابت است؛ اصطلاحاتی چون: شنجرف، مرقع، تذهیب، کاغذ باد، مشق، تحریر، نستعلیق، جدول، پیاله، نیرنگ، موقلم، مسطر، مقط، قلمکار و ...

«...هنگامی که به سندهور رنگینش کنند، جدول شنجرفی است بر صفحه ی سیاهی کشیده... زلف از دو جانب حلقه‌گردیده، دو لام نستعلیقی است از مشک به تحریر آمده... قامت، نیشکری است قد کشیده یا الفی است به خط شیرین‌رقم تحریر گردیده.» (آنند رام، بی تا: ۱: ۱۳)

- استفاده از واژه‌های هندی

«مخلص در نثرش واژگان هندی را به کار می‌برد و نام‌های هندی و فارسی را به هم اضافه و ترکیب می‌کند؛ ولی نوآموزان را از این کار برحذر می‌دارد.» (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۳۲۴)

در هنگامه عشق، با واژه‌هایی هندی بسیاری روبرو می‌شویم که بیشتر شامل اسامی خاص اشخاص، مکان‌ها، گیاهان، بازی‌ها و ... است که از جمله می‌توان به واژه‌های: چپله (غلام)، پورب (مشرق)، کیله (درخت موز)، جوگی (مرتاض)، جوگن (زن مرتاض)، هولی (نام یکی از اعیاد هندوان)، مالا (گردنبند)، رانی (ملکه)، کیستگی (نام درختی است)، چتر (باهوش) و ... اشاره کرد.

- استفاده از عبارات وصفی بلند

مخلص در نثر این کتاب، از ترکیبات و عبارت‌های وصفی طولانی و بلند بسیار استفاده کرده است، به گونه‌ای که این ویژگی در سرتاسر این اثر به چشم می‌خورد. برای مثال: «چشم دنباله کشنده غزالی به کمند بندگردیده» / «درخشنده برقی است از ابر متجلی‌گردیده» / «تار ابریشمی است به غنچه‌های یاسمین پذیرفته آرایش» (آند رام، بی تا: ۱۳)

- بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی

«نویسندگان هندی همچنان که در شعر به استعاره و ترکیبات مجازی سخت معتادند، در نثر نیز استعاره را آزادانه به کار می‌برند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۵۳) مخلص در هنگامه‌ی عشق، اگرچه داستانی را روایت می‌کند؛ اما برای آرایش سخن خود، دست به دامن آرایه‌های ادبی و شگردهای هنری می‌شود. آرایه‌هایی چون: تلمیح، جناس، اغراق، تضاد، مجاز، کنایه، تشبیه، استعاره، تشخیص و... برای شناخت بیشتر و نمایاندن گونه‌های شاعرانه‌تر این اثر، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۱- صنایع لفظی:

مخلص به جنبه‌ی موسیقی سخن، بسیار توجه داشته و از آن بهره جسته است. در نثر هنگامه‌ی عشق، اشکال مختلف موسیقی (معنوی و لفظی) به چشم می‌خورد. سجع، جناس، هم‌حروفی و... نمونه‌هایی از تلاش نویسنده برای آهنگین کردن نثر است. «دلی می‌خواهم چون اشک از مژه‌ی عاشق چکیده، از جوهر درد آفریده، دلی به رنگ لاله آتش حل کرده در پیاله، دلی چون قفس بلبل کارگاه ناله، دلی مانند چشم معشوقان شهره به سیاه‌مستی، دلی چون آینه مصروف حسن پرستی، دلی بسان غنچه در جراحت‌کده معتکف، دلی چون بال کبک، تخته‌ی مشق الف.» (آند رام، بی تا: ۲)

۲- تشبیه:

تشبیه از پرکاربردترین آرایه‌های ادبی در این کتاب است. از همه تشبیهات به کارگرفته شده، تنها به چند نمونه‌ی زیبا بسنده می‌شود:

«آن ساعد سیمین، دسته گلی است پنهان در آستین.» (آند رام، بی تا: ۱۴)

«گردن، کافوری شمعی است که پروانه اش دل اهل انجمن.» (همان)

«بند پیراهن گشودنش به واشد در باغ می ماند.» (همان)

۳- تصاویر بدیع و زیبا:

یکی از ویژگی های بنیادین نثر فنی، پرداختن به تصویر است. در این کتاب نیز نمونه های فراوانی از تصویرپردازی های زیبا و شاعرانه می بینیم.

«برو دربانی است برای پریزاد حسن؛ دو کمانی است جهت صیاد حسن؛ دو مشکین سایبانی است افراخته؛ دو هلالی است یکجا به سپهر دلبری، طرح جلوه انداخته.» (آند رام، بی تا: ۱۳)

«خال رخسارش هندویی است دود آتش پرستی در دماغ یا دزدی است به کمین چیدن گل در باغ یا بر سر آتش سپندی است یا اختر طالع یکی از ستاره سوختگان دردمند.» (همان)

۴- تشخیص:

تشخیص، زنده ترین و پویاترین گونه ی استعاره است. نثر هنگامه ی عشق، افزون بر انواع استعاره ها، از آرایه ی تشخیص نیز بهره ی فراوان برده است. «مینا به اخراج غم از شهرستان دل، لوای سبز برافراشته و شیشه از ساغر مانند فرنگی پسران، کلاه بر سر کج گذاشته.» (آند رام، بی تا: ۴۸)

نسخه های کتاب هنگامه ی عشق:

۱- نسخه ی کتابخانه ی انجمن ترقی اردو دهلی، هند

شماره: ۱۰۱-۳: ۱ ب: ۶۱

تاریخ کتابت: ندارد

خط: نستعلیق

تعداد صفحه: ۹۸ صفحه

تعداد سطر در هر صفحه: ۲۳ سطر

تزئینات نسخه: عناوین شنگرف

آغاز: خداوندا قلم آشفته‌رقم را چه قدرت که به بهارپیرایی چمنستان ثنایت پردازد و این بریده زبان ژولیده‌بیان را چه یارا که به چمن‌آرایی بهارستانِ حمدت گردنِ دعوی برافرازد.

انجام: هر نقش قدم حرف سری می‌گوید؛ هر کهنه خرابه از دری می‌گوید؛ دنیااست فسانه پاره‌ای ما گفتیم؛ وان پاره که ماند دیگری می‌گوید.
توضیحات: میکروفیلم این نسخه به شماره ۷/۱ در مرکز میکروفیلم نور در دهلی نو نگهداری می‌شود.

۲- نسخه ی کتابخانه ی مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگر، هند

شماره: ۸۷۱-۵۰/۲۴۵ H.G.

تاریخ کتابت: ۱۲۷۳ق. (۱۸۵۶م.)

خط: نستعلیق

تعداد صفحه: ۱۶۶ صفحه

تعداد سطر در هر صفحه: ۱۱ سطر

تزیینات نسخه: عناوین شنگرف

آغاز: خداوندا قلم آشفته‌رقم را چه قدرت که به بهارپیرایی چمنستان ثنایت پردازد و این بریده‌زبان ژولیده‌بیان را چه یارا که به چمن‌آرایی بهارستانِ حمدت گردنِ دعوی برافرازد.

انجام: هر نقش قدم حرف سری می‌گوید؛ هر کهنه خرابه از دری می‌گوید؛ دنیااست فسانه پاره‌ای ما گفتیم؛ وان پاره که ماند دیگری می‌گوید.
توضیحات: میکروفیلم این نسخه به شماره ۵/۴۰ در مرکز میکروفیلم نور در دهلی نو نگهداری می‌شود.

۳- نسخه ی کتابخانه ی ایوان غالب دهلی، هند

شماره: ۱۰۵-۴۴۱۷ Acc. No.

تاریخ کتابت: ندارد

خط: نستعلیق شکسته

تعداد صفحه: ۱۵۳ صفحه

تعداد سطر در هر صفحه: ۱۱ سطر

تزیینات نسخه: عناوین شنگرف

آغاز: خداوندا قلم آشفته را چه یارا و قدرت که به بهارپیرایی چمنستان ثنایت پردازد
و این ژولیده جان و بریده زبان را چه جرئت که به چمن آرایسی بهارستانِ حمدت گردن
دعوی برافرازد.

انجام: به ترانه‌های کنایه‌آمیز و لطیفه‌های شوق‌انگیز میل نمودند و دست آخر به این
اکتفا نکرده، به دشنام‌های رنگین...

توضیحات: در پایان نسخه، افتادگی دارد. میکروفیلم این نسخه به شماره ۱۰/۳ در
مرکز میکروفیلم نور در دهلی نو نگهداری می‌شود.

۴- نسخه ی کتابخانه ی عمومی پنجاب لاهور، پاکستان

شماره: ج ۸۲۱، ۸۷۳، جئس - مغل

تاریخ کتابت: ۱۷ رجب ۱۲۵۱ ق. (۱۸۳۵ م.)

خط: نستعلیق شکسته

تعداد برگ: ۱۲۶ صفحه

تعداد سطر در هر صفحه: ۱۵ سطر

تزیینات نسخه: عناوین شنگرف

آغاز: ... مناجات به درگاه مجیب الدّعوات، الهی اگرچه گناهکارم پناه به تو می‌آرم.
کرمت را بگو که از سرم سایه برنگیرد و عذرم همه اگر بدتر از گناه است که بپذیرد.

انجام: هر نقش قدم حرف سری می‌گوید؛ هر کهنه خرابه از دری می‌گوید؛ دنیاست
فسانه پاره‌ای ما گفتیم؛ وان پاره که ماند دیگری می‌گوید.

توضیحات: در آغاز نسخه، افتادگی دارد.

نتیجه

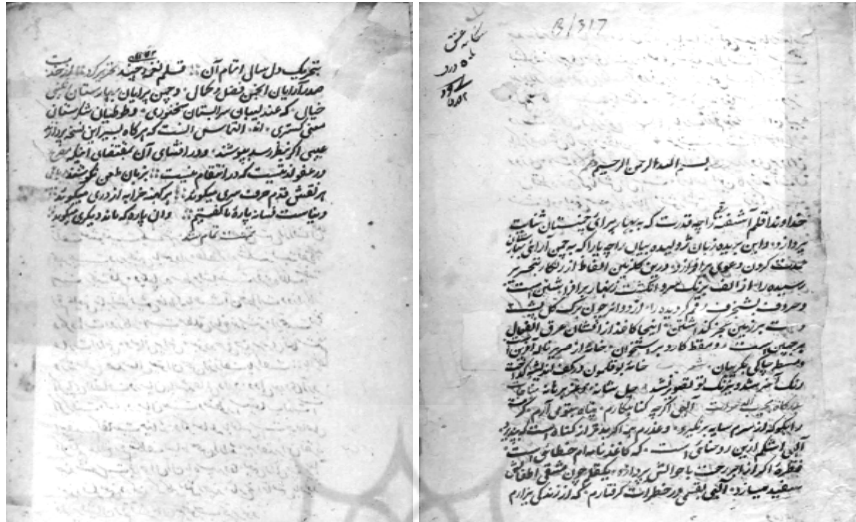
آند رام، شاعر و نویسنده ی پارسی گوی هند، متخلص به «مخلص» بین سال‌های ۱۱۰۷ تا ۱۱۱۲ ق. در سودهره در بخش سیالکوت از توابع لاهور به دنیا آمد و در سال ۱۱۶۴ ق. در چهارمین سال حکومت احمدشاه در پی بیماری نفث‌الدم (استفراغ خون) درگذشت.

هنگامه ی عشق، نام داستان منثور عاشقانه‌ای است که مخلص لاهوری، در سال ۱۱۵۲ ق. به رشته ی تحریر درآورد. این اثر را می‌توان ترجمه‌ای آزاد از داستان پدماوت-از افسانه‌های باستانی هند- خواند که ملک محمد جاییسی آن را در سال ۹۴۷ ق. به زبان هندی منظوم ساخته است.

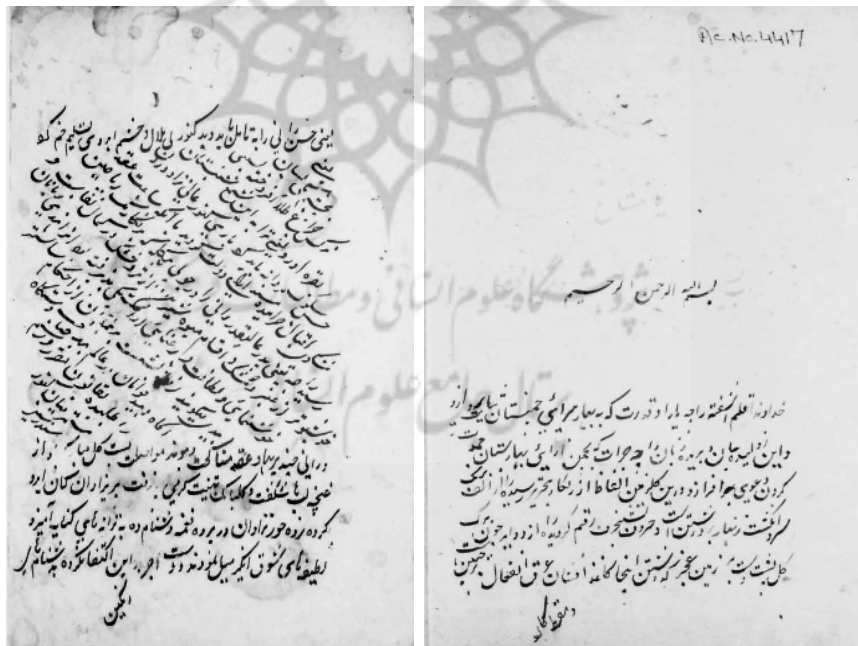
نثر هنگامه ی عشق، اگرچه شاعرانه است و آراسته به انواع صنعت‌ها و آرایش‌های لفظی و معنوی و به قول مخلص، نثری رنگین؛ اما در مقایسه با برخی از آثار او همچون دیباچه ی کتاب پری‌خانه، ساده و بی‌تکلف است. بهره‌گیری از اشعار فارسی خود و دیگر شاعران در جای‌جای داستان، استفاده فراوان از اصطلاحات نسخه‌پردازی، خط، نقاشی و کتابت در توصیف‌ها، به‌کاربردن عبارات وصفی بلند و استفاده از واژه‌های بومی هندی و اردو، از دیگر ویژگی‌های نثر هنگامه ی عشق است.

از این کتاب که تاکنون تصحیح و چاپ نشده، چهار نسخه در کتابخانه‌های انجمن ترقی اردو دهلی، مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگر و ایوان غالب هند و کتابخانه ی عمومی پنجاب لاهور پاکستان موجود است.

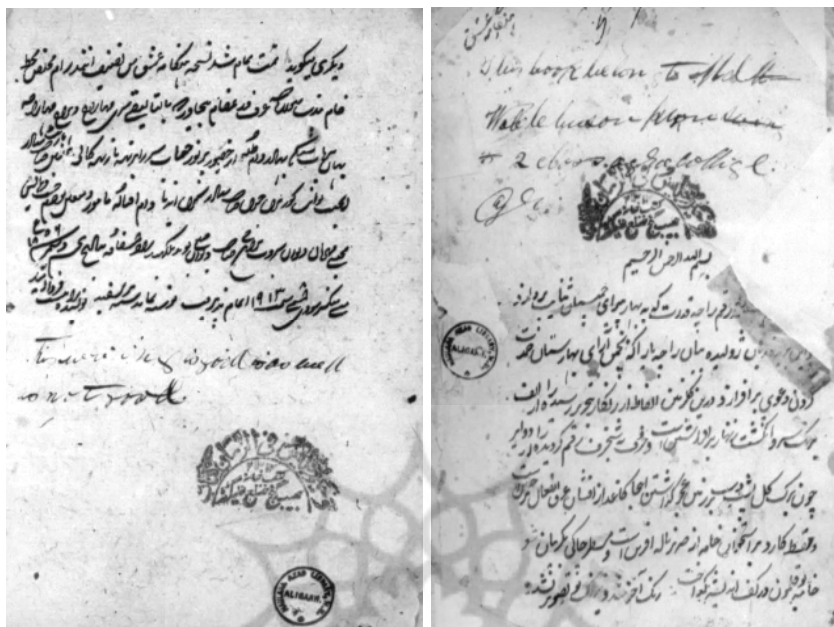
تصویر صفحه ی اول و آخر هنگامه ی عشق (نسخه ی کتابخانه ی انجمن ترقی اردو دهلی)



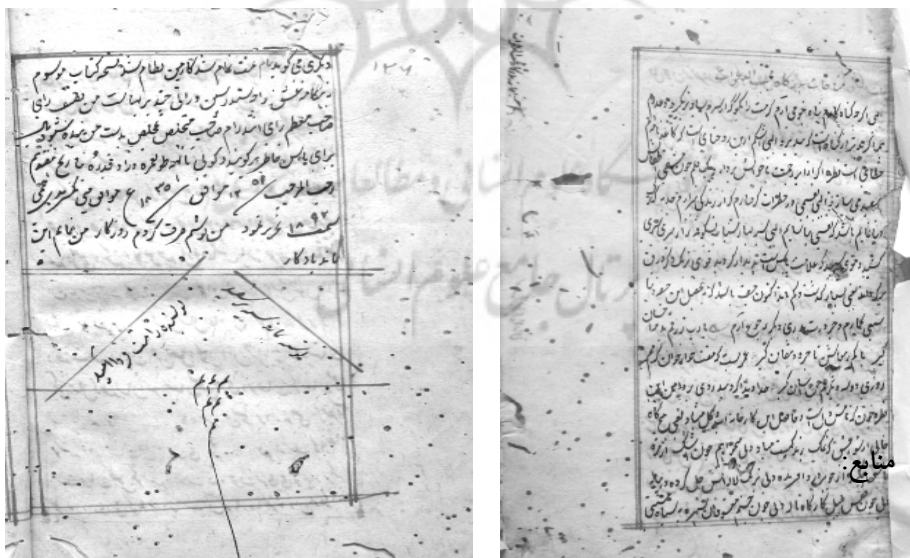
تصویر صفحه اول و آخر هنگامه ی عشق (نسخه ی کتابخانه ی ایوان غالب دهلی)



تصویر صفحه اول و آخر هنگامه ی عشق (نسخه ی کتابخانه ی مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگر)



تصویر صفحه اول و آخر هنگامه ی عشق (نسخه ی کتابخانه عمومی پنجاب لاهور)



منابع

- ۱- آزاد بلگرامی، غلام علی، **خزانه ی عامره**، تصحیح ناصر نیکویخت و شکیل اسلم بیگ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- ۲- آند رام لاهوری، مخلص، **هنگامه ی عشق**، نسخه ی خطی شماره ۱۰۱-۳: ۱ ب: ۶۱. کتابخانه ی انجمن ترقی اردو دهلی، [بی تا ۱].
- ۳- **هنگامه ی عشق**، نسخه ی خطی شماره ۸۷۱-۵۰/۲۴۵ H.G. کتابخانه ی مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگر، ۱۲۷۳ ق.
- ۴- **هنگامه ی عشق**، نسخه ی خطی شماره ۱۰۵-۴۴۱۷ Acc. No. کتابخانه ایوان غالب دهلی، [بی تا ۲].
- ۵- **هنگامه ی عشق**، نسخه ی خطی شماره ج ۸۲۱ ۸۷۳ جانس-مخل، کتابخانه ی عمومی پنجاب لاهور، ۱۲۵۱ ق.
- ۶- امامی، نصرالله، **مبانی و روش‌های نقد ادبی**، تهران: جامی، ۱۳۷۷.
- ۷- انوشه، حسن، **دانشنامه ی ادب فارسی در شبه قاره**، ج ۴، بخش سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۸- بهگوان داس، سفینه هندی، **تصحیح سیدشاه محمد عطاءالرحمن کاکوی**، پنته: اداره تحقیقات عربی و فارسی، ۱۹۵۸.
- ۹- خوشگو، بندرابن داس، **سفینه ی خوشگو**، به کوشش سیدشاه محمدعطاءالرحمن کاکوی، پنته: لیبیل لیتهوپریس، ۱۹۵۹.
- ۱۰- دیچز، دیوید، **شیوه‌های نقد ادبی**، غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، تهران: علمی، ۱۳۶۶.
- ۱۱- ذوالفقاری، حسن، **ریخت‌شناسی افسانه ی عاشقانه کل بکاولی**، فنون ادبی، سال دوم، شماره ۱، تهران: ۴۹-۶۲، ۱۳۸۹.

- ۱۲- ----- **ملک خورشید و معشوق بنارس**، پژوهش‌نامه ی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۴، تهران: ۲۵۵-۲۷۸، ۱۳۸۶.
- ۱۳- رستگار فسایی، منصور، **انواع نثر فارسی**، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- ۱۴- رضازاده شفق، صادق، **وسعت انتشار زبان و ادبیات فارسی**، ارمغان، شماره ۱، تهران: ۴-۹، ۱۳۳۶.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین، **یادداشت‌ها و اندیشه‌ها** (از مقالات، نقدها و انتشارات)، تهران: اساطیر، ۱۳۷۱.
- ۱۶- سید عبدالله، **ادبیات فارسی در میان هندوان**، محمد اسلم خان، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۱.
- ۱۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا، **ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما**، حجت-الله اصیل، تهران: نی، ۱۳۷۸.
- ۱۸- صدیقی، طاهره، **داستان‌سرایی فارسی در شبه قاره در دوره ی تیموریان**، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۷.
- ۱۹- عابدی، امیرحسین، **داستان پدماوت در ادبیات فارسی**، مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۹، شماره ۴، تهران: ۷۵-۸۹، ۱۳۴۱.
- ۲۰- عامر، خان محمد، **تعامل ادبیات فارسی با فرهنگ هندوان**، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۶، تهران: ۶۷-۷۱، ۱۳۸۳.
- ۲۱- عرفانی، عبدالحمید، **داستان‌های عشقی پاکستان**، تهران: کتاب‌فروشی ابن سینا، ۱۳۴۰.
- ۲۲- غروی، مهدی، **افسانه‌های عشقی هند باستان**، مجله هنر و مردم، شماره ۹۶ و ۹۷، تهران: ۶۰-۶۷، ۱۳۴۹.
- ۲۳- گوپاموی، محمد قدرت‌الله، **تذکره ی نتایج الافکار**، تصحیح یوسف بیگ باباپور، قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۷.

۲۴- موسوی بجنوردی، محمدکاظم، **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی**، ج ۲، تهران: مرکز دایرهالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.

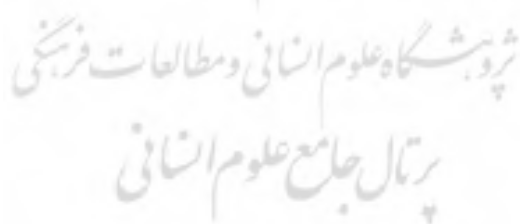
۲۵- نواب صدیق خان، **تذکره ی شمع انجمن**، تصحیح محمدکاظم کهدویی، یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۸۶.

۲۶- نوشاهی، عارف، **پری خانه، نامه ی بهارستان**، سال ششم، شماره اول و دوم، دفتر ۱۲ و ۱۱، تهران: ۲۶۵-۲۸۴، ۱۳۸۵.

۲۷- واله داغستانی، علیقلی، **ریاض الشعرا**، ج ۴، تصحیح سیدمحسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.

28- Grierson, G.A. & Dvivedi, Mahamahopadhyaya Sudhakara, **The Padumawati of Malik Muammad Jaisi, Calcutta: Asiatic Society, 1896.**

29-Anand Ram Mokhles, www.iranicaonline.org.



References

- 1- Abedi, Amir Hasan, **Dastan-e Padmavat dar adabiyat-e Farsi**, Journal of Faculty of Literature and Humanities, Tehran University, 9th Year, No. 4, Tehran: 75-89, 1962.
- 2- Amer, Khan Mohammad, **Ta'amol-e adabiyat-e Farsi ba farhang-e Hendovan**, Cultural Keyhan, No. 216, Tehran: 67-71, 2004.
- 3- Anand Ram Mokhlis, www.iranicaonline.org.
- 4- Anand Ram Lahori, Mokhlis, **Hengame-ye eshgh**, Manuscript No. 101-3:b:61, Anjuman Tarrqiy Urdu Library, Delhi.
- 5- -----**Hengame-ye eshgh**, Manuscript No. H.G.50/245-871, Mowlana Azad Library, Aligarh, 1856.
- 6- -----**Hengame-ye eshgh**, Manuscript No. Acc. 4417-105, Eyvan Ghaleb Library, Delhi.
- 7- -----**Hengame -ye eshgh**, Manuscript No. j821, 873, Jaes- Mokhl, Punjab Public Library, Lahore, 1835.
- 8- Anoshah, hasan, **Daneshname-ye adab-e Farsi dar Shebh-e gharreh**, Vol.4, Tehran: Publication of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, 2001.
- 9- Azad Balgrami, gholam Ali, **Kazane-ye Amereh**, Ed. Naser Nikobakht & Shakil Esalm Beyg, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, 2011.
- 10- Bhagvan Das, **Safine-ye Hendi**, Ed. Sayyed Shah Mahammad Atorrahman Kakuy, Panta: Department of Arabic and Persian Research, 1958.
- 11- Daiches, David, **Critical Approaches to Literature**, Tr. Gholam Hosein Yosefi & Mohammad Taghi Sedghiani, Tehran: Elmi, 1987.
- 12- Emami ,Nasrollah, **Mabani va ravesh-haye naghd-e adabi**, Tehran: jami, 1998.
- 13- Erfani, Abdolhamid, **Dastan-haye eshghi-e Pakistan**, Tehran: Ebn-e Sina, 1961.
- 14- Gharavi, Mahdi, **Afsane-haye eshghi-e Hend-e bastan**, Journal of Arts & Humanities, No. 96 & 97, Tehran: 60- 67, 1970.
- 15- Gopamoy, Mohammad Ghodratollah, **Tazkere-ye Natayej-alafkar**, Ed. Yusof Beyg Babapur, Qum: Center of Islamic deposits, 2008.

16- Grierson, G.A. & Dvivedi, **Mahamahopadhyaya Sudhakara**, The Padumawati of Malik Muammad Jaisi, Calcutta: Asiatic Society, 1896.

17-Khoshgu, Bandarebne Das, **Safine-ye Khoshgu**, Ed. Sayyed Shah Mohammad Ataorrahman Kakuy, Panta: Libel Litho press, 1959.

18-Mosavi Bojnurdi, Mohammad Kazem, **Dayerat-olma'aref-e bozorg-e islami**, Vol. 2, Tehran: the Center of the Great Islamic Encyclopedia, 1995.

19-Navvab Sadigh Khan, **Tazkere-ye sham'-e anjoman**, Ed. Mohammad Kazem Kahduyi, Yazd: Yazd University, 2007.

20-Nowshahi, Aref, **Pari khaneh**, Baharestan Letter, 6th Year, No. 1 & 2, Tehran: 284- 265, 2006.

21-Rastgare Fasayi, Mansur, **Anva'-e nasr-e Farsi**, Tehran: samt, 2001.

22-Rezazadeh Shafagh, Sadegh, **Vossat-e enteshar-e zaban va adabiyat-e Farsi**, Armaghan, No. 1, Tehran: 4-9, 1957.

23-Sayyed Abdollah, **Adabiyat-e Farsi dar miyan-e Hendovan**, Tr. Mohammad Eslam Khan, Tehran: Mahmud Afshars Foundation, 1992.

24-Sedighi, Tahere, **Dastan-sorayi-e Farsi dar Shebhe gharreh dar dowre-ye Teymurian, Islamabad**: Persian Research center of Iran and ,1998.

25-Shafisi Kadkani, Mohammad Reza, **Adabiyyat-e Farsi az asr-e Jami ta ruzgar-e ma**, Hojjatollah Asil, Tehran: ney, 1999.

26-Valeh Daghestani, Ali Gholi, **Riyaz al sho'ara**, Vol. 4, Ed. Sayyed Mohsen Najj Nasrabadi, Tehran: Asatir, 2005.

27-Zarrinkub, Abd-ul Hosen, **Yaddasht-ha va andishe-ha**, Tehran: Asatir, 1992.

28-zolfaghari, Hasan, **Rikht shenasi-ye afsane-ye Gol-e Bakavali**, Literary Techniques journal, 2nd Year, No. 1, Tehran: 49-62, 2010.

29----- **Malek Khorshid va ma'shugh-e Banaresi**, Research Journal Shahid Beheshti University, No.54, Tehran: 255-278, 2007.